

کاری از نسل نگاه معاصر
تاریخ پژوهی

مجلد اول



تاریک خانه تاریخ

تعاریف، روایکردها و
اسیب‌های تاریخ‌پژوهی

مریم صادقی گیوی

جلد اول

تاریک‌خانه تاریخ

تعاریف، روایکردها و

آسیب‌های تاریخ پژوهی

گلستان

نشر نگاه معاصر

سروشانه	: صادقی، مریم، -۱۳۴۲
عنوان و نام پدیدآور	: تاریک‌خانه تاریخ / مریم صادقی.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۲ ج.
شابک (جلد ۱)	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۵
شابک (دوره)	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۱۰-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
مندرجات	: ج. ۱. تعاریف، رویکردها و آسیب‌های تاریخ‌پژوهی در ایران.
موضوع	: تاریخ‌نویسی اسلامی – نقد و تفسیر.
Islam – Historiography – Criticism and Interpretation :	
موضوع	: تاریخ‌نویسی – نقد و تفسیر.
Historiography – Criticism and Interpretation :	
موضوع	: تاریخ‌نویسی – ایران – نقد و تفسیر.
Historiography – Iran – Criticism and Interpretation :	
ردیبندی کنگره	: DS ۳۵/۶۷۱ ت ۲ ص ۲۱۳۹۷
ردیبندی دیوبنی	: ۹۷۰/۲۰۱۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی :	۰۲۴۲۳۷۱

جلد اول

تاریک‌خانه تاریخ

تعاریف، رویکردها و

آسیب‌های تاریخ‌پژوهی

لکلادام

نشر نگاه معاصر

مریم صادقی گیوی

تاریک خانه تاریخ

تعاریف، رویکردها و آسیب‌های تاریخ‌پژوهی در ایران
(جلد اول)

میریم صادقی گیوی

عضو هیأت علمی گروه زبان و
ادبیات فارسی واحد تهران مرکزی



ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم رسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: فرنو

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

شابک (جلد ۱): ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۰۵-۹

شابک (دوره): ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۱۰-۱

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۰۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

فهرست مطالب و مندرجات

۹ تقدیر و تشکر
۱۱ فصل اول: کلیات
۱۱ بیان مسئله
۱۲ دو سؤال اصلی پژوهش
۱۳ رویکرد پژوهش
۱۴ هدف پژوهش
۱۴ قلمرو زمانی پژوهش
۱۵ مهم‌ترین مفاهیم و کلید واژه‌های پژوهش
۱۶ پیشینه‌ی پژوهش
۲۴ مندرجات پژوهش
۲۵ مدل کلی کتاب
۲۵ خلاصه و نتیجه‌ی فصل اول
۳۱ فصل دوم: مفهوم تاریخ و رویکردهای تاریخ‌نگاری
۳۱ گفتار اول: مفهوم تاریخ و رویکردهای تاریخ‌نگاری در غرب
۳۱ مدل جزئی گفتار اول
۳۲ مقدمه
۳۵ مهم‌ترین رویکردهای تاریخ‌نگاری در غرب

۱۴۹	۶-۲- محور دینی
۱۴۹	۶-۲- همانندسازی با شخصیت‌های دینی
۱۵۰	۶-۲- یزدان‌سالاری و ظل‌الله‌ی (تاریخ قدسی)
۱۵۳	۶-۲- اصالت تقدیر و بخت و اقبال
۱۵۴	۷-۲- محور جامعه‌شناسنی
۱۵۴	۷-۲- مهندسی فرهنگی
۱۵۷	۷-۲- زبان تاریخ
۱۶۱	۷-۲- رویکرد فلک‌نالی و روزگارستیزی
۱۶۲	۷-۲- رویکرد خواب و دعا و پیش‌گویی
۱۶۳	۷-۲- بزرگ‌نمایی و افراط
۱۶۴	۷-۲- رویکرد ملت‌گرایی (ناسیونالیستی)
دیدگاه‌های	
۱۷۳	۱- طبری
۱۷۵	۲- ابن اثیر
۱۷۷	۳- ابن خلدون
۱۷۹	خلاصه و نتیجه‌ی گفتار دوم
۱۹۳	□ منابع
۱۹۹	□ اعلام

تقدیر و تشکر

پس از حمد خدای بزرگ لازم است از کسانی که مرا در این کاریاری کردند سپاسگزاری کنم؛ نخست از حاج آقای قنبری مدیر انتشارات نگاه معاصر، سپس از جناب آقای مسعود احمدی، آقای امید سیندکاظمی و سرکار خانم محبویه حیدری و جناب آقای جواد روستا بسیار تشکرمی کنم. اجرایین عزیزان محفوظ و وجودشان مستدام باد.

مریم صادقی
تهران
بهار ۱۳۹۶

فصل اول

کلیات

بیان مسئله

چرا این کتاب تألیف شد؟

مبدأ و هدف اصلی تألیف این کتاب تناقضات بسیاری است که در تاریخ‌ها و تاریخ‌پژوهی‌ها وجود دارد؛ همین امر باعث شده که اغلب، ارزیابی‌های نادرست و ناقصی به ویژه در این سال‌ها به طور مداوم صورت گیرد و منتشر شود؛ بدون این‌که کسی یا کسانی متعرض این رویکرد نادرست و غیر علمی شوند و البته این روند همچنان ادامه دارد. متون تاریخی رویدادهای ثابتی را گزارش کرده‌اند ولی متن و گزارش آن‌ها با یکدیگر اختلافات و تناقضات بسیار دارد. موضوع مشترک تمام مورخین، تاریخ پیش و یا پس از اسلام است. هر مورخی بنا به ذهنیت و خاستگاه اندیشه‌ی خود رویدادی را روایت کرده ولی این روایت‌ها با یکدیگر متناقض است. این تفاوت‌ها از کجا ناشی شده است؟ چرا مورخین یکسان نمی‌نویسند؟ چرا یک رویداد به طرق مختلف روایت می‌شود؟ عوامل و مبانی دخیل در این تفاوت‌ها چیست؟ از آنجایی که در روایات تاریخی زمان و مکان و رویداد و شخصیت‌ها یکسان هستند، پس راوی نقشی بسیار مهم دارد؛ لذا باید در رویدادهای تاریخی به دنبال ذهنیت مؤلف بود. مورخی که به رویکرد یزدان‌سالاری اعتقاد دارد و اوج و فرود قدرت را از خداوند می‌داند، تاریخ را مجموعه‌ای از رویدادها می‌داند که انسان در آن

نقشی ندارد. از نظر او «همه‌ی تدبیرها سخره‌ی تقدير است». مورخان عمدتاً «امر تاریخی» را از «امر غیر تاریخی» مشخص نکرده‌اند و نتوانسته‌اند تشخیص دهنده چه رویدادی امر تاریخی است؟ و رویداد و روایت با یکدیگر متفاوت است.

مورخین اغلب ادعا دارند که اثر آنان از لغزش و اشتباه به دور است و برای روشن شدن اذهان خوانندگان، اثر خود را تأثیف نموده‌اند؛ آن‌ها به طور غیر مستقیم بیان کرده‌اند که آثار منتشر شده‌ی پیشین دارای اشتباهات تاریخی است ولذا وظیفه دارند که اثری بدون اشتباه تأثیف کنند؛ اما این امر عمدتاً مغفول مانده است.

مورخان و پژوهشگران ایرانی با هدف نوشتمن تاریخ و ثبت روزگاران گذشته تاریخ نوشته‌اند؛ اما این هدف ثانویه بوده و رویکرد و هدف اصلی آن‌ها بیان مطالبی بوده که ذهن خوانندگان را به سمت وسوبی خاص گرایش دهنده و آن‌چه را خود باور دارند به خواننده القا نمایند؛ یعنی در اکثر موارد مورخان براساس دیدگاه‌ها و باورهای خود، مطالبی را گزینش و روایت می‌کنند. آن‌ها اغلب روش‌ها و رویکردهای تاریخ‌پژوهی را در نظر نگرفته‌اند؛ یعنی این مطلب را در نظر نداشته‌اند که تاریخ‌پژوهی رویکرد ویژه و اصول خاص خود را دارد و نمی‌توان با همان رویکرد و روشهایی که برای مثال آثار دینی و داستانی را نوشته‌اند، تاریخ نوشت. مورخان معاصر ایرانی اغلب از منابع دست دوم مطالب خود را ذکر کرده‌اند و متون اصلی قرون اولیه مانند: تاریخ یعقوبی، اخبار الطوال، تاریخ طبری و اصولاً تاریخ‌های گسترده و نیز تاریخ‌های محدود و منطقه‌ای^۱ را نخوانده‌اند و به ذکر مطالب از آثار دیگر پرداخته‌اند؛ اغلب آن‌ها با مراجعه به متون و منابع اصلی و دست اول نوشته نشده و در نتیجه عیبی بر دیگر عیب‌ها اضافه شده است؛ یعنی نه تنها تاریخ به طور ناقص روایت شده بلکه دو دیدگاه نامتجانس و متناقض قدیمی (نویسنده‌ی گذشته) و معاصر (نویسنده‌ی متن تاریخی) با یکدیگر خلط شده و محصول تاریخی ابتو و نادرست منتشر شده است؛ تاریخ‌ها بدون داده‌های اصلی نوشته شده است و مشخص نیست که هدف نویسنده از نوشتمن چه بوده است. در این موارد فقط باید گفت که به ضرس قاطع به جز چند پژوهش تاریخی سایر پژوهش‌های تاریخی قابل قبول نیست. باید در نظر

داشت که اولین اصل شناخت و معرفت آن است که باید از منابع درست و کامل کسب شود تا بتواند پایه و اساس مراحل بعدی یعنی تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

دو سؤال اصلی پژوهش

این پژوهش در دو جلد در پاسخ به دو سؤال اصلی نوشته شده است:

علل تناقضات در روایت رویدادهای تاریخی چیست؟

مهم‌ترین تناقضات تاریخی کدامند؟

پرسش‌های فرعی هم وجود دارد از قبیل: تاریخ‌نویسی چه ویژگی‌هایی دارد؟ مهم‌ترین رویکردهای تاریخ‌نویسی در علم تاریخ و در جهان چیست؟ رویکردهای گوناگون تاریخ‌نگاری در ایران چه پیامدهایی داشته است یعنی متون تاریخی چگونه نوشته شده و مهم‌ترین مبانی تاریخ‌های ایران چه هستند؟

رویکرد پژوهش

رویکرد این پژوهش تحلیل انتقادی است و تفکر انتقادی در باب تاریخ، لازم‌ترین کارها است. هدف از تفکر نقادانه آن است که وجوده و ابعاد گوناگون یک مسئله به دور از تمايلات شخصی و پیش‌زمینه‌های ذهنی مورد بررسی قرار گیرد. تفکر نقادانه عبارت از آگاهی از موضوع براساس منابع درست و ارزیابی به دور از پیش‌زمینه‌های ذهنی همراه با سؤال‌های نقادانه و منطقی و یافتن پاسخ مناسب بدانها است. برای انتقاد باید بربالاترین پله و بلکه در قله‌ی مسئله ایستاد و تمام مسائل را با دیدگاهی فرامکانی و فرازمانی بررسی و تفسیر و تأویل کرد. هر قدر اطلاعات ما درباره‌ی اثر موضوع نظر بیشتر و کامل تر باشد، پیچیدگی آن بهتر درک می‌شود؛ در نتیجه بهتر می‌توانیم ابعاد را درک و قضاوت کنیم.

چون مورخین ایرانی تعریفی کامل و جامع از تاریخ نداشته‌اند بنا به نظرات و معلومات خود حقایق و واقعیت‌های تاریخی را در آن شیوه که خود پذیرفته‌اند روایت کرده‌اند که بعضاً با شیوه‌ی علمی منافات دارد؛ لذا نتیجه‌ی حاصل از این کنکاش‌ها با یکدیگر متفاوت و گاه متناقض شده است؛ یعنی متون تاریخی وقتی با رویکردهای

گوناگون نوشته می‌شود، برخی روایات واقعیت‌ها و رخدادها، مهم و برخی دیگر فرعی و غیرمهم تلقی می‌شوند؛ لذا هر نویسنده‌ای بنا به نظر خود روایتی را می‌آورد که از نظر مورخی دیگر آن رویداد مطلقاً ارزش روایت ندارد. لذا چیستی و چرا باید تاریخ، روشن‌ها و رویکردهای تاریخ نویسی ناگفته مانده است. در این میان البته بیشتر، نویسنندگان غربی سخن گفته‌اند و نویسنندگان ایرانی بدون پاسخ به این پرسش مهم تاریخ نوشته‌اند.

هدف پژوهش

با توجه به مطالبی که ذکر شد هدف اصلی از نگارش این دو مجلد آن است که رویکردها و تناقضات و مبهمات تاریخی را بررسی نماید. بیان ناگفته‌ها و آشکار ساختن مبهمات باعث می‌شود که ارزیابی خوانندگان نسبت به شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی کامل‌تر و درست‌تر و تاریخ پژوهی در ایران دقیق‌تر و مستند‌تر و ترو حد امکان بی‌طرفانه‌تر باشد. هرچه مبانی پژوهش‌ها از عیوب روش‌شناختی و محتوایی پیراسته‌تر باشد، محصولات آن شفاف‌تر و ارزیابی‌ها و نظریات، منطقی‌تر و مستدل‌تر خواهد بود. برای این‌که انجام این پژوهش کامل‌تر و خالی از عیوب باشد، منابع متعدد تاریخی را مطالعه کرده‌ام تا مطالب مستدل‌تر باشد و خواننده‌ی گرامی با خواندن این کتاب دریابد که روایات رایج – اعم از چاپ شده و نشده – بسیار مختلف و متفاوت هستند. آن‌چه در این کتاب آمده اغلب با گفتمان رایج از رویدادهای تاریخی متفاوت است و خوانندگان در این کتاب روایت‌هایی را خواهند خواند که با آثار دیگر متناقض و یا تکمیل‌کننده‌ی آن‌ها است؛ یعنی نوری بر ناگفته‌ها و تاریک خانه‌ی تاریخ افتاده و آن‌چه روشن شده در این اثر بازتاب یافته است.

قلمرو زمانی پژوهش

قلمرو زمانی این پژوهش بسیار گسترده است و از نخستین خلیفه‌ی عباسی تا پایان دوره‌ی سلجوقیان را دربر می‌گیرد. چون موضوع این پژوهش بسیار گسترده بود و امکان گنجایش آن در یک کتاب میسر نبود لذا این پژوهش در دو جلد تنظیم و

نوشته شده: مجلد نخست درباره‌ی کلیات مسائل تاریخ‌نگاری شامل: تعاریف، رویکردهای تاریخ‌نگاری جهان و ایران و اسلام و آسیب‌های متون تاریخی در ایران و اسلام است و مجلد دوم بررسی و تبیین تناقضات متون تاریخی از ابتدای تاریخ ایران تا پایان دوره‌ی سلجوقیان است.

مهم‌ترین مفاهیم و کلیدواژه‌های پژوهش

این مفاهیم در گفتارهای کتاب مفصل‌آ مورد بحث قرار گرفته و تبیین شده است. در اینجا برای رعایت مراتب علمی مختصراً مهم‌ترین مفاهیم پژوهش، تبیین خواهد شد:

تاریخ: مفهوم تاریخ از مفاهیم پرچالش وافت و خیزبوده و هر مورخی روش کار خود را بر مبنای تعریفی که از تاریخ داشته، انتخاب کرده است. مفهوم تاریخ که مورخان در تاریخ‌های خود به کار برده‌اند عموماً در معانی زمان، آفرینش، طبیعت و... آمده که دارای معانی یکسان نیستند؛ در این پژوهش تاریخ در همان معانی به کاررفته که در کتب تاریخی آمده یعنی رویدادها و حوادث تاریخی؛ زیرا هدف، بررسی آثار تاریخی است. در اینجا باید اضافه کرد که برخی از مفاهیم دیگر نیز معنای تاریخ را دارند مانند تذکره‌ها، تراجم، بیوگرافی‌ها (یا اتوپیوگرافی‌ها)، طبقات^۲ که با اندکی تفاوت دارای رویکردهای مشابه هستند.

رویکردهای تاریخ‌نگاری: منظور از رویکردها، شیوه‌ها و نحوه‌ی نگرش و نگارش مورخ در تاریخی است که نوشته و در این پژوهش در دو محور عمده تعریف شده است: رویکردهای تاریخ‌نگاری غربی و رویکردهای تاریخ‌نگاری اسلامی. زیرا به زعم نگارنده، این دور رویکرد در برخی موارد اندک همخوان و در موارد بسیار دیگر ناهمخوان هستند و علت آن فرهنگ شرق و غرب و شیوه‌ی نگاه انسان غربی به خدا و انسان و جهان و در مقابل شیوه و رویکرد انسان شرقی به محیط و خدا و انسان است.

آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری: منظور از آسیب‌شناسی، بررسی نواقص و معایب و کاستی‌هایی است که در متون تاریخی ایرانی و اسلامی وجود دارد و در این پژوهش در دو محور اصلی شامل محتوایی و روش پژوهش، بررسی شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

تاریخ یک بعد اصلی است که به چندین بعد دیگر قابل تقسیم است؛ یعنی وقتی می‌گوییم تاریخ، از بحثی کلی و از فلسفه‌ی تاریخ بحث می‌کنیم که خود گستره‌ای وسیع دارد و درباره‌ی تمام شاخه‌های علوم بحث می‌کند. زیرا تاریخ به معنای پیشینه‌شناسی است؛ یعنی ما اصطلاحاً تاریخ تاریخ، تاریخ فلسفه، تاریخ ادبیات و... هم داریم که مربوط به پیشینه‌شناسی است. در این پیشینه‌شناسی، نظرات و دیدگاه‌های تأثیرگذار بر روند سیر تکوین هر علمی بررسی می‌شود؛ پیش از بررسی پیشینه‌ی پژوهش باید چند سؤال را که در این باره ممکن است به ذهن خطرور کند، بیان نمایم: تاریخ چیست؟ و چه تعریفی دارد؟ دیدگاه‌های صاحب نظران غربی و اسلامی درباره‌ی تاریخ چیست؟ چه آثاری درباره‌ی شیوه‌های تاریخ‌پژوهی نوشته شده است؟ این آثار چه ویژگی‌هایی دارند؟ و آیا توانسته‌اند مشکلات وابهایات موجود در این باره را رفع کنند؟ چه آثار تاریخی تاکنون درباره‌ی اسلام و ایران نوشته شده است؟

در اینجا برخی از مهم‌ترین آثار منتشر شده درباره‌ی سوالات مطرح شده تبیین می‌شود. می‌توان اهم آثار را در این مورد به قرار زیر نام برد:

- ۱- بابک احمدی کتابی دارد تحت عنوان رساله‌ی تاریخ (۱۳۹۳) که با زبانی سلیس و روان و البته با قدری شتاب‌زدگی نوشته شده است و نشان می‌دهد که نویسنده انبوه مطالبی را که می‌خواسته و می‌دانسته، نتوانسته در این حجم کم، عرضه نماید. به همین دلیل مطالب او گاهی منفصل و گاهی ابتر مانده است. ضمن این که تعاریف کسانی مانند هگل و نیچه و فوکورا هم از تاریخ خوب ارزیابی کرده است؛ اما اشکال عمده‌ی کتاب در این است که مقاهم اصلی مشخص نشده و از اصول و معیارهای تاریخ نویسی که گرچه ناقص بیان شده، تخطی کرده است. این کتاب پیش از آن که پژوهش باشد توصیفی ناقص از روند تاریخ‌نگاری است. البته مشخص نیست که جامعه‌ی آماری و قلمرو پژوهش کدام است؟ احمدی از بحث معنای تاریخ شروع نموده ولی بدون مقدمه وارد روش تاریخ‌نگاری شده است. (ص ۱۶)

این کتاب با این که به چاپ چهارم رسیده همچنان نقص‌هایی برآن مترب است. اشکال مهم این کتاب عدم تعریف و تبیین و تقسیم‌بندی است. سؤال پژوهشی و نیز روش نویسنده معلوم نیست. او واژه‌ی تاریخ را تعریف کرده اما با تعریفی ناقص و سپس در صفحات بعدی این تعریف را نیز نقض کرده است: تاریخ را به دو معنا به کار می‌بریم (ص ۹) این تعاریف برچه مبنایی بیان شده است؟ نویسنده از کتاب گلستان سعدی جمله‌ای به عنوان شاهد مثال برای گفته‌ی خود می‌آورد که مطلقاً علمی نیست؛ زیرا گلستان را نمی‌توان به عنوان منبع تاریخی مورد استناد قرارداد. او سپس به تعاریف غریبان از تاریخ می‌پردازد و بعد از رویدادهای تاریخی سخن می‌گوید در صورتی که این بحث نیزمانند سایر مباحث باید پیش از این تعریف و در معنای تاریخ می‌آمد زیرا این تعاریف ما حصل کنکاش‌ها و چالش‌هast نه بدون مقدمه. او سپس در ص ۶۷ مطلبی می‌نویسد که ناقض تعریف پیشین است. او می‌نویسد که تاریخ لزوماً انسانی نیست. بهتر بود اینجا عنوانی برای تعریف خود می‌آورد و سپس انواع تاریخ را تعریف می‌کرد: تاریخ طبیعی، تاریخ انسانی و...^۳

۲- کتاب دیگر گزیده‌ای است که حسینعلی نوذری، (۱۳۹۲) از ۱۵ تاریخ‌پژوه فراهم آورده که گاهی این دیدگاه‌ها بسیار گذرا و اندک بیان شده با این که جای بحث بسیار داشته از جمله کالینگوود^۴ و نیز برخی دیگر مانند کارومک‌کولاگ که غیراز چندین جمله‌ی محدود بررسی نشده است. دست آخر هم معلوم نیست مصاحبه‌ی سال‌ها پیش فوکو برای چه هدفی در کتاب آمده با توجه به این که برخی از دیدگاه‌هایی را که فوکو در این مصاحبه مطرح می‌کند، امروز مخدوش است. دیگر آن که آیا رویکرد مصاحبه، با تاریخ‌پژوهی دریک ردیف می‌گنجد؟ مضافاً این که بحثی را هم که خود نویسنده در پایان کتاب بیان کرده بدون تعیین رویکرد مشخص نوشته شده است. در مجموع نوشته‌ی او دارای ابهامات زیادی است. (اتکینسون و دیگران، ۱۳۹۲_۴۷۹، ۵۲۴)

۳- اثر قابل توجه دیگر اثر سید صادق سجادی و هادی عالم‌زاده (۱۳۸۶) با عنوان تاریخ‌نگاری در اسلام است. این کتاب به رغم روش‌نگری‌هایی که دارد دارای

نواقص و اشکالاتی هم هست. این اثر در ۶ فصل تنظیم شده که فصل اول با کلیات و تعریف تاریخ بدون در نظر گرفتن مبانی و نظرات مطرح در همین دوره بحث شده است. مهم‌ترین مبانی پژوهش، مبهم و ناگفته مانده است. مفاهیم پژوهش نیز مشخص نیست؛ مثلاً از نظر نویسنندگان چه آثاری، تاریخ اسلامی محسوب می‌شود؟ مکاتب تاریخی که نویسنندگان ذکر کرده‌اند بر چه مبنایی ذکر شده است؟ این بحث مبهم است و نکته‌ای را به دست نمی‌دهد آیا نویسنندگان قرارگرفته در مکتب مدینه محدث بوده‌اند یا مورخ؟ و اصولاً تفاوت بین تاریخ و حدیث چیست؟ نویسنندگان مدینه غیر از مغاری چه آثار دیگری داشته‌اند؟ چرا با این‌که این نویسنندگان، مشهورند هیچ اثر تاریخی ندارند؟ تفاوت مکتب مدینه با مکتب عراق چیست؟ نویسنندگان متذکر شده‌اند: «دقت در شکل نقل و تدوین و مضمون این آثار... به گونه‌ای است که لاقل از لحاظ نگارش و مضمون تاریخی می‌توان مکتبی خاص دانست.» (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۶، ۴۷) ولی هیچ شاهدی و موردی جهت روشنگری ذکر نشده است. مطالب بدون مأخذ و مبانی پژوهشی در کتاب فراوان است. نویسنندگان خود در بحث تاریخ در معنای اصطلاحی و زمانی آن خلط مبحث کرده‌اند. (ص ۵ و ۱۲) در بحث انگیزه‌های تاریخ‌نگاری، دیدگاه ناسیونالیستی نویسنندگان کاملاً آشکار است. «از آن سوی عصبیت قومی عرب که نورسیدگان اقوام دیگر به جامعه‌ی اسلامی را ظاهرًا تهدیدی برای سیادت نوینیاد خود که به برکت اسلام به دست آورده بودند می‌پنداشت و نیز رقابت‌های کهن قبیله‌ای به جنبش درآمده انگیزه‌ی دیگری شد برای ضبط، نقل و حتی جعل اخبار فتوح و جنگ‌های ردّه و پیکارهای داخلی چون جمل و صَفَّین.» (ص ۱۵) معلوم نیست منظور نویسنندگان چه بوده است. اول این‌که درباره‌ی عرب با آن سابقه‌ی متنی و فرهنگی پیش از اسلام، چنین سخن گفتن، علمی نمی‌نماید. دوم: اگر بحث عصبیت قومی باشد که در تواریخ ایرانی این امر حتی اکنون با وجود روش شدن بسیاری قضایا باز هم آشکارتر و واضح‌تر است و سوم: منظور نظر نویسنندگان از جعل جنگ‌ها چه بوده است؟ بالاخره آیا صَفَّین و جمل هم جزو تحریفات و جعلیات است؟ نویسنندگان

محترم میراث عربی پیش از اسلام را زیر سؤال می‌برند و می‌نویستند: «در آن‌چه اصالت میراث عربی پیش از اسلام را مورد تردید قرار می‌دهد شکل نقل و ضبط روایات ایام و انساب است در این باب دونظر وجود دارد: نظر غالب (۲۹) فرهنگ عرب پیش از اسلام را منقولات پراکنده و نامنسجم شفاهی می‌داند که به سبب اهتمام به ایام و انساب و نیز اسلوب روایی آن به داستان‌سرایی بیشتر شباهت داشت...» (ص ۲۵) که باز هم مطلب غیر علمی است.^۵

نویسنده‌گان در آثار فوق الذکر متعرض دیگر موارد از جمله الگویردازی، آرمان‌گرایی و تاریخ قدسی وغیره هم نشده‌اند. متذکرمی شوم مطالبی را که نویسنده‌گان دلیل بر نامعتبر بودن تواریخ عربی دانسته‌اند، دقیقاً بر تواریخ ایرانی هم قابل انطباق است. ضمن این‌که نویسنده‌گان، تواریخ ایرانی مانند تاریخ بیهقی را آن‌گونه که باید نشناخته‌اند و از تاریخ جهانگشا و راحة الصدور، سلجوقنامه وغیره نامی به میان نیاورده‌اند.

از اشکالات دیگر این اثر ناقص بودن بسیاری از مباحث است. نویسنده‌گان در سه جای کتاب از تاریخ طبری نام می‌برند ولی مطلبی جامع را در اختیار خواننده قرار نمی‌دهند و روش او را به طور مشخص تفکیک نمی‌کنند؛ حتی این‌که متذکرو متعرض شیوه‌ی طبری که به نوشه‌ی خودش مبنی بر اخبار عجیب و غریب وغیر استدلالی است نمی‌شوند. در بحث مکاتب تاریخ‌نگاری هم خلط مبحث شده و چنین عیبی وجود دارد. بحث مبانی تاریخ‌نگاری اسلامی ناتمام و بعض‌اً محل اشکال است. روش نویسنده‌گان بر مبنای تقسیم‌بندی تاریخ‌نگاری یکسان نیست؛ مثلاً در مکتب تاریخ‌نگاری مدینه و عراق مورخینی را نام می‌برند که آثار آن‌ها در میان تاریخ از اهمیت علمی و شایانی برخوردار نیست ضمن این‌که به طریق نقل توصل جسته‌اند. (صص ۴۹-۵۱) از مطالبی که در این کتاب آمده آشکارا می‌شود که نویسنده‌گان رویکرد ناسیونالیسم را از لابه‌لای نوشه‌های خود مد نظر داشته‌اند. همچنین مبحث نوگرایی در تاریخ روش نشده است. «با این‌همه باید گفت تاریخ طبری دوره‌ی نوینی را در تاریخ‌نگاری اسلامی آغاز کرد» (ص ۱۱۹) برای نوگرایی

حتماً باید سنت تاریخ‌نویسی تبیین و مقایسه می‌شد در حالی که نویسنده‌گان این امر را بررسی نکرده‌اند.

دربحث تاریخ بیهقی نیز نویسنده‌گان، به شرح کوتاه و ناکافی بسنده کرده و گذشته‌اند. مضمون و سبک و اندیشه در تواریخ ایرانی که نویسنده‌گان از آن نام می‌برند روشن نیست. (ص ۶۷) در تقسیم‌بندی شیوه‌های تاریخ‌نگاری نیز خلط مبحث شده است. از جمله آن که شیوه‌ی حدیثی را از شیوه‌های سال‌شماری تفکیک کرده در صورتی که این شیوه حداقل در دو تاریخ عمده با درج مفهوم زمان (تاریخ طبری و الكامل ابن‌اثیر) توانان صورت گرفته است. در فصل چهارم نیز بحث شیوه‌های تدوین مطالب جامع و درست نیست. برای مثال طبری و اغلب تاریخ‌نگاران اسلامی – مگر آن‌جا که یک اثر تاریخی را خلاصه کرده‌اند – هر دو شیوه‌ی حدیثی و خبری و سال‌شماری را در نظرداشته‌اند. (صص ۷۱-۷۹) البته این بحث هم مانند مباحث پیشین ناقص است. خلط مبحث بین سنن و سیره و مغایزی و تاریخ عمومی و... هم از نواقص مشهود این کتاب است. نویسنده‌گان کتاب، موضوع را با رویکرد یکی دانسته‌اند؛ مثال‌های نامبرده نشان می‌دهد که تواریخ براساس موضوع تقسیم‌بندی شده است. سال‌شماری، دودمانی، تبارشناختی و فرهنگنامه‌ای و حدیثی و خبری (صص ۷۱-۸۱)

رویدادهای تاریخی هم با ملاک مکانی نوشته شده که کامل نیست و نمی‌تواند ملاک علمی باشد زیرا اصولاً مناطقی که مورخین معروف در آن زندگی می‌کرده‌اند «دارالاسلام» و یا به تعبیر لسترنج «سرزمین‌های خلافت شرقی» نامیده می‌شده است. دیگر این که این مورخان عمدتاً تمام رویدادهایی را که از ابتدای تاریخ بشر به وجود آمده نوشته‌اند سپس وارد منطقه‌ی دارالاسلام شده‌اند بدون این که علت خود را تبیین کرده باشند. از آن‌جایی که بسیاری از وزیران ایرانی و یا عرب با حفظ و یا تغییر مقام در دستگاه سلاطین و یا در دستگاه خلیفه‌ی عباسی هم به کار مشغول بوده‌اند، مورخین هم همین حالت را داشته‌اند و بسیاری از آن‌ها برای یافتن شرایط مناسب زندگی و دوربودن از حوادث، معمولاً به مناطقی مهاجرت می‌کرده‌اند تا

بتوانند خوب بنویسند؛ لذا تعیین مکان نه لزومی دارد و نه مشکل و یا ابهامی را برطرف می‌کند و محل اعتبار و اهمیت نمی‌تواند باشد. بحثی را که نویسنده‌گان در ص ۹۴ مبنی بر تاریخ‌نگاری دوره‌ی سلجوقی نوشته‌اند، حاکی از غفلت آن‌ها بوده. در این دوره تواریخی مانند راحة الصدور و سلجوق نامه‌ی ظهیری سمرقدی را هم داریم که آن‌ها بی‌اطلاع بوده و یا حداقل نامی نبرده‌اند. در دوره‌ی غزنوی هم در مورد سلطان مسعود و سلطان محمود نیز حداقل دو کتاب مهم دیگر با نام‌های: تاریخ یمینی (تاریخ عتبی) و تاریخ گردیزی داریم که نویسنده‌گان رویکردهای آن‌ها را کمتر بررسی کرده‌اند. از کتب تاریخی که در دوره‌ی غزنوی نوشته شده جزو تاریخ بیهقی (که بسیار مشهور است) سخن نگفته‌اند. نیز از کتاب المغاری واقدی هیچ نامی برده نشده است. (ر.ک. واقدی، ۱۳۶۹ و...)

۴- اثر دیگر در این زمینه از چیس اف. رابینسون (۱۳۹۲) با عنوان تاریخ‌نگاری اسلامی ترجمه‌ی الولی است. در این کتاب دو بخش اصلی (ریشه‌ها و گونه‌ها و بافت‌ها و زمینه‌ها) درده فصل مباحث زیرمورد بحث واقع شده است: بخش اول: دارای ۴ فصل ریشه‌ها و گونه‌ها شامل: فصل اول: ریشه‌ها (۵۵-۳۱)، فصل دوم: پیدایش گونه‌ها (۷۸-۵۶)، فصل سوم: پیامدها والگوها (۹۰-۱۱۵) و فصل چهارم سه گونه تاریخ‌نگاری: سپه‌نگاری، تراجم‌نگاری، گاهنگاری (۱۱۶-۱۵۸) و بخش دوم بافت‌ها و زمینه‌ها دارای شش فصل به شرح زیر است: (۵۶) فصل پنجم: تاریخ‌نگاری و سنت‌نگاری (صص ۱۵۹-۱۹۱) فصل ششم: تاریخ‌نگاری و جامعه (صص ۱۹۲-۲۲۵) فصل هفتم: خدا والگوهای تاریخ (صص ۲۲۶-۲۵۶) فصل هشتم: مورخان و حقیقت (صص ۲۵۷-۲۸۰) فصل نهم: شغل‌ها و حرفه‌ها (صص ۲۸۱-۲۹۹) فصل دهم: نگارش تاریخ (صص ۳۰۰-۳۲۸) و نتیجه‌گیری است. در این کتاب مباحثی در مورد تاریخ‌نگاری آمده است. به نظر می‌رسد متن کتاب نوعی متن توصیفی است و نویسنده متن خود را به عنوان ذکر شده در فهرست کتاب محدود نکرده است؛ زیرا برخی از مطالب عنوانین با مطالب دیگر در ذیل عنوان دیگرآمیخته شده است. به هر روى اغلب مباحث کتاب مطول و توصیفی

است. نویسنده در این کتاب تاریخ‌نگاری پیش از قرن نهم را در سه مرحله توصیف و روایت می‌کند و سپس سریع از آن رد می‌شود. مشخص نیست چرا از میان آثار تاریخی بسیاری که در این دوره نوشته شده او فقط الفهرست ابن‌نديم را مورد بحث قرار می‌دهد. (ص ۵۷) ضمن این‌که نویسنده بسیاری از مفاہیم پژوهشی و محل تأمل را نیز اشاره نمی‌کند. او در ابتدای فصل چهارم می‌نویسد: «تاریخ‌نگاری اسلامی سه روش اصلی را برای سامان‌دهی روایت تاریخی ابداع کرده بود که من آن سه را سیره‌نگاری، تراجم‌نگاری و گاهنگاری نامیده‌ام». (ص ۱۱۶) نویسنده در ادامه طبقات زندگی‌نامه و مغازی را به طور مختصر بیان می‌دارد.^۷ او می‌نویسد: «تاریخ‌نگاری در این کتاب به مفهومی به کار رفته است که برخی گونه‌های معطوف به گذشته را کنار گذاشته است گونه‌هایی مثل نسب‌شناسی، جغرافیا، ارتدادنگاری یعنی نوشتمن درباره‌ی مکاتب فکری فرقه‌ای، دینی و فلسفی، تفسیر قرآن، شکل‌های گوناگون نوشتمن شرعی از جمله حدیث، نثر ادبی، به ویژه رساله‌های درباره‌ی موضوعات تاریخی و موارد فراوان دیگری که امکان ذکر همه‌ی آن‌ها نیست». (ص ۱۱۸) نویسنده چرا تفسیر و جغرافیا را در ردیف تاریخ آورده ضمن این‌که از طبقات نام می‌برد که نوعی نسب‌شناسی است و او در باب «خودنوشت» هم مطلبی می‌آورد ولی مشخص نیست چه انواعی از آن را در نظر داشته است؟ (ص ۱۷۹) اصطلاح معجم را نیز ذیل تراجم‌نگاری می‌آورد که در این کتاب به نوعی تاریخ، تلقی شده است: «در قرن دهم شاهد پیدایش معجم‌ها هستیم. معجم اصطلاحی است که اغلب برای مجموعه‌هایی که بر اساس نظم الفبایی تنظیم شده‌اند، اطلاق می‌شود. فرهنگ زندگی‌نامه می‌تواند هم بر طبقات و هم بر معجم اطلاق شود». (ص ۱۳۵) نویسنده ذیل تراجم‌نگاری از فرهنگ زندگی‌نامه‌ها و طبقات نام می‌برد. (صص ۱۳۷ و ۱۴۴) این کتاب برخی از ویژگی‌های مربوط به تاریخ‌نگاری اسلامی را متذکر شده اما بیشتر بر اساس توصیف روایت‌های تاریخی مورخان بدون تقسیم‌بندی عنوانی مربوط به ویژگی‌های آن‌ها نوشته شده است.

متذکر می‌شوم که وقتی از تاریخ صحبت می‌کنیم نوشتمن‌های دیگری را نیز که به

دلیل مشابهت‌ها در این محور قرار می‌گیرند، باید در نظر بگیریم مانند: علم الانساب، علم الرجال و علم الحديث و تذکره، تراجم، طبقات، خودنوشت‌ها و اتوپیوگرافی‌ها و بیوگرافی‌ها و... که البته هریک از این انواع باید به طور مستوفا مورد بحث قرار گیرند ولی می‌توان اصول و رویکردهایی را در مورد همه‌ی آن‌ها مشخص کرد که بعداً خواهد آمد.

آثاری هم درباره‌ی تاریخ پژوهش منتشر شده است که مجالی برای آن‌ها نیست. (ر.ک. حضرتی، ۱۳۹۳) حضرتی اثر دیگری دارد که در حیطه‌ی پیشینه‌ی این پژوهش قرار می‌گیرد. این کتاب با عنوان روش پژوهش در تاریخ (با تأکید بر اصول و قواعد رساله‌نویسی) در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. نویسنده در بیان مسئله‌ی پژوهش از ابهامات و کاستی‌ها نام می‌برد بدون این‌که آن‌ها را ذکر کند؛ یعنی معلوم نیست نویسنده اثر خود را برای رفع چه مجھول و مبهمی نوشته است؟ این کتاب آمیخته‌ای از دو موضوع بسیار گسترده است که امکان بحث مستوفی و کامل آن‌ها در این کتاب ممکن نبوده و این نقص عمدۀ اثر مذکور است. به همین دلیل بسیاری از مسائل و محورهایی که لازمه‌ی بحث است، ارائه نشده است؛ بهتر بود این مباحث در دو کتاب جداگانه منتشر می‌شد. مفاهیم پژوهش تعریف نشده است؛ برای مثال مشخص نیست روایت و رویداد، حادثه، امر تاریخی و امر غیر تاریخی، گذشته، تاریخ وغیره چه معانی دارند. پیشینه‌ی بحث هم ناقص و ابتر است. بسیاری از منابع کتاب مربوط به سال‌های بسیار پیش است و باید برای تألیف این اثر، آثار متأخر هم دیده می‌شد. تعاریف و مبانی کتاب مباحث تکراری است؛ مانند تعریف تاریخ، چیستی تاریخ، مبانی علم تاریخ وغیره که بارها تا زمان چاپ کتاب، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و جای آن داشت که نویسنده به جای تکرار این مطالب حداقل به مقایسه و نقد تعاریف و پژوهش‌های پیشین می‌پرداخت.^۴ نویسنده در ابتدای بحث خود از دو فعل نام می‌برد: «تاریخ‌شناسان در تاریخ ورزی دو فعل کاملاً مشخص و البته تا حدودی متفاوت و جدا از هم را به منصه‌ی ظهور می‌رسانند: ۱- شناسایی امر واقع. ۲- تحلیل» (ص ۴۹) و سپس در ادامه دو اصطلاح نقد بیرونی و